

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی - نیوجرسی / ایالات متحده امریکا

۰۱ دسمبر ۲۰۱۹



سقط جنین دموکراسی

منظور از سقط جنین دموکراسی در نوشته حاضر عبارت از پیشنهاد به اصطلاح نسخه شفابخشی از جانب دوکتورین سیاسی ممالک سرمایه داری؛ خاصاً ایالات متحده امریکا می باشد که بنابر یافته هائی که من به آنها نایل شده ام به تصور من برای اولین بار در ویتنام عملی گردید. البته جای شکی نیست که حلقه حاکم قدرت در ایالات متحده امریکا بعد از جنگ جهانی دوم در قسمت سرنگونی و تغییر رژیم های سیاسی بیشتر از ۵۰ کشور جهان از جمله امریکای لاتین که اکثریت آنها دارای حکومت های منتخبی بوده اند؛ دست داشته است؛ اما به همه حال بسیاری از مواردی که به آنها اشاره نمودیم غالباً در برگزیده نمونه ها و مدل هائی از یک نوع دموکراسی برحالی بودند که وجود خارجی داشته اند.

آثار فراوانی اکنون درین راستا انتشار یافته؛ ولی به نظر من زحمات و ریسرچ ژورنالیست شهیر و نام آور استرالیائی به نام جان پلجر درین مورد سزاوار نهایت ستایش می باشد که در سال ۲۰۰۷ فلم مستندی را زیر عنوان "جنگ علیه دموکراسی" به این ارتباط تهیه نمود که در همه سایت های انترنیتی؛ من جمله یوتیوب قابل دسترس است.

همچنان لازم به یاد آوری است که ما شاهد وقوع همچو حالتی از تغییر رژیم سیاسی در کودتای سال ۱۹۵۳ ایران بوده ایم که در آن حکومت منتخب محمد مصدق صدر اعظم وقت ایران با سازماندهی "سیا" و ارتش ایران سرنگون گردید.

لازم به یاد آوری می دانم این که تصور انتخاب چنین عنوانی "سقط جنین..." برای زمانی الهام گردید که درین تازگی ها مضمونی را زیر عنوان "تهاجم Tet به مثابه چرخش بزرگ در جنگ ویتنام" در مجله "در دفاع از مارکسیسم" به مناسبت چهل و مین سالگرد این حمله می خواندم که به نویسندگی "الن وود" منتقد بزرگ سیاسی، مؤرخ و نظریه

پرداز مجله مذکور ، به رشته تحریر درآمده بود . منظور از Tet به زبان ویتنامی اشاره به حملات گسترده و قاطعی می باشد که در آن ۷۰ هزار از سربازان ویتنام شمالی ؛ یکجا با جنگ جویان جبهه آزادیبخش ملی در ویتنام جنوبی بالای نیرو های امریکائی راه اندازی نمودند که سرنوشت جنگ را در آنکشور تغییر داد؛ چون که این حملات در آغاز سال نو رخداد که بنا بر تقویم ویتنامی آن را Tet می نامیدند . گرچه منظور "الن وود" از نگارش این مضمون در حاشیه موضوع ؛ استخراج نتایج موازی از آن با جنگ عراق می باشد که داخل شدن در آن ایجاب بحث طولانی را می نماید ؛ ولی من ضمن مطالعه دقیق و عمیق این مضمون به نکات جالب دیگری برخورد نمودم که تذکار و شریک سازی آن را با خوانندگان این جستار اندک لازم می دانم:



۱ - در ماه سپتامبر ۱۹۴۰ قوای جاپان اندونیزیا را اشغال نمود ، اما با وجود آن همه، جاپان اجازه داد تا فرانسه حضور اداره استعماری خود را در منطقه حفظ نماید . حرکت نیرو های جاپان به سوی ویتنام جنوبی در ماه جولای ۱۹۴۱ سبب شد تا ایالات متحده امریکا و بریتانیای کبیر، تحریم نفت را وضع نمایند که در نتیجه آن کمبود نفت خطر ایجاد زمینه های درگیری جنگ میان امریکا و جاپان را فراهم نمود که در اثر آن نیرو های بحری و هوائی جاپان بالای پایگاه نیرو های بحری امریکا به نام پیرل هاربر Pearl Harbour واقع در منطقه هاوئی به تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۴۱ حمله نمود و امریکا نیز در مقابل جاپان اعلان جنگ داد . تذکار این نکته به خاطر ضرور بود تا بدینوسیله انگیزه های تلاش امریکا جهت تسلط بر مناطق کلیدی ستراتیژیک در آسیا و بحرالکاهل وضاحت پیدا نماید . منظور از اتخاذ چنین سیاست ستراتیژیک از جانب امریکا صرفاً متوجه عقب زدن جاپان نی، بلکه در عین حال متمرکز به بیرون راندن نیرو های استعماری کار کشته کهنه کار امپریالیستی فرانسه و انگلستان از این مناطق نیز بود .

یکی از شگفتی هائی که درین زمان اتفاق افتید این بود که افراد مربوط به "دفتر خدمات ستراتیژیک امریکا" که در واقعیت سلف پیشینه سازمان "سیا" بود یک تیمی را در جنگل های ویتنام شمالی که در آن قرارگاه هوچی مین موقعیت داشت ؛ جهت تداوی وی دیسانت نمود. در آنزمان هوچی مین درگیر بیماری جدی ناشی از مالاریا و امراض اقلیم قاره ئی بود که تا به حال به ندرت در باره آن سخن زده شده است که از لحاظ درسهای تاریخی جالب است .

۲ - نظریه یافته های نویسنده مجله "در دفاع از مارکسیسم"؛ چنین دریافت می گردد که بالاخره هوچی مین رهبر فقید مردم ویتنام در نتیجه جنگ های چریکی پیگیر که توأم با به دست آوردن حمایت مسکو و بیجینگ که از سال ۱۹۳۰ آغاز گردیده بود ؛ به تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ آزادی و استقلال ویتنام را از استعمار فرانسه اعلان نمود که در نتیجه آن بعد از گذشت ۸۰ سال آفتاب آزادی بر فراز این کشور به تابیدن آغاز نمود .

"آلن وود" به این عقیده است که تمامی زمینه ها برای آزادی مکمل ویتنام و ایجاد وحدت میان شمال و جنوب در ۱۹۴۵ مساعد گردیده بود و نیرو های رزمنده هوچی مین می توانستند با مارش ظفر آفرینی داخل ویتنام جنوبی شوند و زمینه های کامل حمایت توده های مردم در جنوب نیز برای این کار مساعد بود ؛ اما بنا بر معامله و سازش مسکو - واشنگتن از چنین فرصت تاریخی به خاطر حفظ خاطر شکر رنجی ایالات متحده آمریکا ؛ استفاده به عمل نیامد .

۳ - مطلب نهائی که جان موضوع را درین جستار تشکیل می دهد همانا سقط جنین دموکراسی است که در سر آغاز سخن از آن یاد آور شدم .

بررسی چگونگی نحوه عملیات جراحی دوکتوران سیاست و خالقان به اصطلاح معاصر دموکراسی که از عمر چندین قرنی در اروپا و جهان برخوردار اند ، از جمله ناگفته هائی است که تا با حال از بازتاب اندکی برخوردار بوده است و آنچه را که درین قسمت مشاهده می کنید این است که چگونه سامان آلات این جراحی در صورت لزوم طفل آبستن در حال تولد خودش را در نطفه خفه می نماید .

قابل یاد آوری است که در سال ۱۹۵۶ چنین فضائی فراهم شده بود که حسب آن انتخابات سرتاسری در ویتنام برگزار شود ؛ مگر آمریکا با آن مخالفت نمود . "الن وود" در نقل از جنرال آیزن هاور ۳۴ مین رئیس جمهور آمریکا (۱۹۵۳-۱۹۶۱) که با اقتباس از کتاب وی به نام "فرمانی برای تغییر" می نویسد این که "رئیس جمهور آیزن هاور بعداً گفت که به تصور وی هوچی مین ۸۰ درصد آراء را در صورت برگزاری انتخابات آزاد به دست می آورد ."

چنین موضعگیری از جانب امپریالزم ایالات متحده آمریکا بیانگر اقتضای است که می شود لطیفه زیبای سیاسی را در مورد آن نوشت و آن لطیفه چنین آغاز می گردد : انتخابات بسیار خوب هستند ؛ مگر به شرطی که نتیجه آن تعیین و نصب حکومت هائی باشند که مورد پسند آمریکا بوده و منفعت آن را تأمین کند؛ در غیر آن این نسخه زیبا را باید در کنج یک گاو صندوقی پنهان کنیم که کسی چهره آن را نبیند .

وقتی این سطور را می نوشتم سروده ای از حکیم "فردوسی" فرزانه خرد و حکمت یادم آمد :

اگر جز به کام من آید جواب من و گرز و میدان افراسیاب

بلی ؛ قبل از این که یادم برود ؛ ما نیز در افغانستان دارای یک نوعی از دموکراسی نیم بند جنینی می باشیم ؛ ولی با تفاوت این که در نمونه ویتنام این نطفه نیرومند و به پختگی رسیده بود که در صورت تولد می توانست دارای آغاز خوبی برای یک رژیم دموکراتیک سوسیالیستی باشد که متأسفانه سقط گردید ؛ اما در نمونه و مثال افغانستان این نطفه در بطن جامعه ما پرورش نیافته بود ؛ بلکه از بن به کابل صادر و وارد گردید . تشویش این است که این دموکراسی به مجرد تخلیه قوت های خارجی هلاک نشود ؛ "اشرف غنی" رئیس جمهور نام نهاد کشور ما خودش به این حقیقت تلخ اعتراف نموده گفت اگر آمریکا و غرب برای شش ماه منابع خود را قطع کنند ؛ ما دوام نمی یابیم . شش ماه مدت زمان طولانی است . واقعیت این است که اگر تخلیه کامل همین لحظه اعلان شود ؛ شما یقین کنید که همه این خائنین به وطن را با پاسپورت های شان در میدان هوائی بین المللی کابل و یا بگرام در حالت فرار می ببینید .

پایان

نوت :

این مضمون برای اولین بار به تاریخ ۲ فیروری ۲۰۱۸ در سایت فیسبوکی اینجانب و برخی از سایت های دیگر منتشر گردید ؛ بنابراین اشارات و تأکیدات آن در مورد دموکراسی ناکام دولت پوشالی کابل، انکشافات تازه و جدید جلوه های ناکام این دموکراسی را تا لحظه کنونی در بر نمی گیرد که در وقت و زمان معین آن مقالات متعدد این قلم آنها را بازتاب و منعکس نموده است .

با احترام

ن سلیمی